

چرا قرض الحسنه، چرا اشتغال؟

در جامعه‌ای که بسیاری از افراد توانمند و مستعد، نه به دلیل نداشتن مهارت و انگیزه، بلکه به دلیل کمبود سرمایه اولیه از ورود به فعالیت اقتصادی بازمی‌مانند، تأمین مالی می‌تواند مرز میان بیکاری و اشتغال، وابستگی و استقلال و رکود و پویایی اقتصادی باشد. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان منابع مالی محدود را به‌گونه‌ای به کار گرفت که بیشترین اثر را بر زندگی مردم و اقتصاد جامعه داشته باشد؟

یکی از پاسخ‌های این سؤال، پیوند قرض‌الحسنه با اشتغال است. پیوندی میان یک سنت ریشه‌دار اجتماعی و یکی از مهم‌ترین نیازهای اقتصادی امروز است.

چرا قرض‌الحسنه؟ قرض‌الحسنه در فرهنگ ایرانی و اسلامی، فراتر از یک ابزار تأمین مالی، جلوه‌ای از اعتماد، همبستگی و مسئولیت اجتماعی است. در این الگو، منابع مالی به جای آنکه صرفاً وسیله‌ای برای کسب سود باشند، به ابزاری برای گره گشایی از مشکلات و ایجاد فرصت برای دیگران تبدیل می‌شوند.

اهمیت قرض الحسنه زمانی آشکار می‌شود که به محدودیت‌های تأمین مالی برای اقشار کم‌درآمد و صاحبان کسب‌وکارهای خرد توجه شود. بسیاری از این افراد، با وجود برخورداری از توانایی کار و تولید، به دلیل هزینه‌های تأمین مالی، نداشتن وثایق کافی یا دشواری دسترسی به تسهیلات بانکی، امکان آغاز یا توسعه فعالیت اقتصادی خود را ندارند. قرض الحسنه می‌تواند بخشی از این فاصله را کاهش دهد. کاهش سود تسهیلات، کاهش هزینه تأمین مالی و طراحی سازوکارهای متناسب با توان بازپرداخت متقاضیان، امکان دسترسی گروه‌های بیشتری از مردم به منابع مالی را فراهم می‌کند.

اما مزیت قرض‌الحسنه تنها در ارزان‌بودن تسهیلات نیست. ویژگی مهم آن، قابلیت گردش مداوم منابع و تکرار فرصت‌های حمایتی است. منابعی که امروز در اختیار یک فرد قرار می‌گیرند، پس از بازپرداخت می‌توانند زمینه‌ساز فعالیت اقتصادی فرد دیگری شوند. به این ترتیب، یک مشارکت مالی می‌تواند در طول زمان منشأ فرصت‌های متعدد باشد.

چرا اشتغال؟ اشتغال صرفاً راهی برای کسب درآمد نیست؛ یکی از پایه‌های استقلال اقتصادی، حفظ کرامت انسانی، تقویت اعتمادبه‌نفس و افزایش مشارکت اجتماعی است. فردی که از فرصت اشتغال پایدار برخوردار می‌شود، علاوه بر تأمین نیازهای خود و خانواده، در تولید کالا و خدمات و پویایی اقتصاد نیز نقش آفرینی می‌کند.

از سوی دیگر، بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با نبود فرصت‌های شغلی و درآمد پایدار ارتباط دارند. از این‌رو، حمایت از اشتغال می‌تواند آثاری فراتر از کمک مالی به یک فرد یا خانواده داشته باشد.

البته ایجاد اشتغال لزوماً به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ نیاز ندارد. در بسیاری از مناطق، به‌ویژه در محلات کم‌برخوردار و مناطق روستایی، سرمایه‌های نسبتاً کوچک می‌توانند زمینه‌ر افانداری یا توسعه فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کنند، از مشاغل خانگی و خدمات محلی گرفته تا کارگاه‌های کوچک و کسب‌وکارهای تولیدی. آنچه اهمیت دارد، شناسایی ظرفیت‌های واقعی، انتخاب فعالیت‌های دارای توجیه اقتصادی و تأمین مالی متناسب با نیاز آنهاست. تسهیلات زمانی به اشتغال پایدار منجر می‌شود که در کنار مهارت، بازار و امکان بازپرداخت قرار گیرد.

چرا پیوند قرض الحسنه و اشتغال؟ قرض الحسنه و اشتغال، هر یک به‌تنهایی اثرر شمندهند، اما پیوند آنها می‌تواند اثربخشی هر دو را افزایش دهد. قرض‌الحسنه زمانی که در خدمت اشتغال قرار می‌گیرد، از یک حمایت مالی مقطعی فراتر می‌رود و به ابزاری برای ایجاد توان اقتصادی تبدیل می‌شود. در این رویکرد، هدف صرفاً رفع نیاز امروز افراد نیست، بلکه فراهم کردن فرصتی است که بتوانند با اتکا به توانایی خود، در آمدی پایدار به دست آورند.

در مقابل، تمرکز بر اشتغال نیز به منابع قرض الحسنه جهت و هدف مشخص می‌دهد. این منابع به سمت فعالیت‌هایی هدایت می‌شوند که علاوه بر کمک به دریافت‌کنندگان تسهیلات، ظرفیت ایجاد ارزش اقتصادی واجتماعی را ایجاد می‌کنند. تفاوت اساسی این رویکرد با حمایت‌های صرفاً معیشتی آن است که به جای تأمین موقت نیاز، بر ایجاد ظرفیت تأمین مستمر معاش تأکید می‌کند. البته این دو نوع حمایت جایگزین کامل یکدیگر نیستند؛ برخی خانوارها همچنان به حمایت مستقیم نیاز دارند، اما برای افرادی که توان و آمادگی فعالیت اقتصادی دارند، تأمین مالی اشتغال می‌تواند مسیری مؤثرتر و پایدارتر باشد.

سخن پایانی

انتخاب قرض‌الحسنه، انتخاب یک شیوه تأمین مالی مبتنی بر همبستگی، اعتماد و مسئولیت اجتماعی است. انتخاب اشتغال نیز به معنای اولویت دادن به توانمندسازی اقتصادی و ایجاد فرصت برای زندگی مستقل و آزاد است. پیوند این دو، تلاشی است برای آنکه نیکوکاری از کمک‌های مقطعی فراتر رود و به جریانی ماندگار در اقتصاد و زندگی مردم تبدیل شود.

قرض الحسنه می‌تواند در خدمت فرصت‌آفرینی و گره‌گشایی از زندگی مردم قرار گیرد، زیرا یکی از مؤثرترین راه‌های حمایت از انسان‌ها، فراهم کردن امکان کار، تولید و کسب درآمد پایدار برای آنان است.

چهارشنبه



وزیر جهاد کشاورزی وعده داد

تسویه کامل با گندمکاران تا یک هفته دیگر

وزیر جهاد کشاورزی اعلام کرد: «بقیمانده مطالبات گندمکاران تا یک هفته دیگر تسویه پرداخت می‌شود. به گزارش صداسویسم، غلام‌هاشوری روز چهارشنبه در بازدید از بیست و پنجمین نمایشگاه بین‌المللی دام و طیور و صنایع وابسته در پاسخ به سوألی درباره وزیر نشدن مطالب اعلام شده سازمان برنامه و بودجه به حساب گندمکاران اظهار داشت: این مبالغ ظرف یک هفته آتی واریز خواهد شد. وزیر جهاد کشاورزی تصریح کرد: کمتر از ۵ درصد از مطالبات مورد اشاره باقی مانده و از نظر تأمین منابع مالی برای پرداخت آن مشکلی وجود ندارد. نوری دلیل واریز نشدن این مبالغ را مسائل مربوط به عملیات حسابداری و وجود برخی اشکالات سامانه‌ای خواند و افزود: این موضوع با همکاری سازمان برنامه و بودجه و شرکت بازرگانی دولتی ایران در حال پیگیری است.

وی ابراز امیدواری کرد، عملیات حسابداری و تعیین ارقام دقیق طی چند روز آینده و حداکثر ظرف یک هفته به پایان برسد و پرداخت مطالبات انجام شود. حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور اخیر اعلام کرده بود که این سازمان از حدود ۱۰ روز قبل، صددرصد مطالبات گندمکاران را با وزارت جهاد کشاورزی تسویه کرده و بابت خرید تضمینی گندم امسال هیچ بدهی ندارد.

۴ جوان

| روزنامه جوان | شماره ۷۷۲۷

گزارش یک پهنای قاسمی

افزایش قیمت نفت و نگرانی کشورها از بروز بحران غذایی که در پی اقدامات جنگ‌طلبانه طبقه اپیستین اتفاق افتاده، بار دیگر دنیا را با کمبود نفت و مشکلات آن و بحران صنعت غذا روبه‌رو کرده است. آمریکا در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، همزمان با کاهش شدید ذخایر سوخت آمریکا، شاهد گرانی ۴۵درصدی بنزین و ۶۸درصدی گازوئیل است. اقتصاد اروپا نیز به دلیل افزایش قیمت انرژی، حمل‌ونقل و مواد غذایی در آستانه نابودی است، به‌طوری‌که علاوه بر نارضایتی مردم، کامیون‌داران نیز در اعتصاب هستند و این امر موجب افزایش قیمت کالاها و تعطیلی کارخانجات تولید مواد غذایی شده است. اکنون اقتصاد جهانی، پهای ناامنی در منطقه‌ای را می‌پزدازد که هیچ جایگزین فیزیکی برای آن در جغرافیا یا سیاسی جهان وجود ندارد. ■ ■ ■

از زمانی که خبر جنگ‌افروزی‌های آمریکا و نیروی نیابتی‌اش در منطقه، به دنیا مخابره شد، نیش بازارهای جهانی انرژی به شکلی قابل کنترل شروع به تپیدن کرد. در روزهای بعد مشخص شد درگیری نظامی در غرب آسیا زلزله‌ای به راه انداخته که تکان‌های آن در پمپ‌بنزین‌های کالیفرنیا، بزرگراه‌های آلمان و حومه سیدنی و حتی به دورترین نقاط آفریقا هم رسیده است. جنگ علیه ایران، شکاف‌های عمیق در تاب‌آوری انرژی جهان را آشکار کرد، در حالی که آسیا و اروپا با کمبود شدید سوخت و جهش هزینه‌ها روبه‌رو شده‌اند، آمریکا نیز همزمان با کاهش شدید ذخایر سوخت، شاهد گرانی ۴۵درصدی بنزین و ۶۸درصدی گازوئیل است. کنش‌گران از همان ابتدای بحران و بسته‌شدن تنگه هرمز، تأکید می‌کردند که آثار بسته‌شدن تنگه هرمز و جنگ‌افروزی آمریکا با گذشت زمان به اقتصاد جهانی و سفره خانوارها منتقل خواهد شد؛ فشاری که می‌تواند در پاییز و زمستان نمود بیشتری پیدا کند.

بحران انرژی آمریکا تشدید شد

افزایش هزینه‌های انرژی، فشار شدیدی عمومی و نارضایتی اقتصادی، حالا به چالش‌هایی جدی برای رژیم آمریکا تبدیل شده‌اند و براساس نظرسنجی‌ها محبوبیت ترامپ به ۳۱درصد تنزل پیدا کرده است. اعتراضات در بخش‌هایی از آمریکا و کاهش محبوبیت

وزیر صمت خواستار تشکیل کمیته مشترک میان بانک مرکزی و بخش خصوصی شد

اتلاف دستگاه‌ها برای رفع موانع صادرات



دولار است. محمد لاهوتی، رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با بیان اینکه بازگشت از صادراتی با پرونده‌سازی قضایی برای صادرکنندگان حل نمی‌شود بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های بازگشت ارز صادراتی تأکید کرد.

او در ادامه افزود: گشوده شدن حدود ۱۷هزار پرونده برای صادرکنندگان در قوه قضائیه، علاوه بر درگیر کردن دستگاه قضایی با موضوعاتی که ممکن است بررسی کارشناسی و تحقیقات لازم در باره آنها انجام نشده باشد، صادرکنندگانی را نیز با مسائل قضایی مواجه می‌کند که باید در شرایط فعلی به‌عنوان سربازان خط مقدم جنگ اقتصادی فعالیت کنند. بنابراین تفکیک میان صادرکنندگان فعال و خوش حساب با افرادی که از کارت‌های اجاره‌ای استفاده می‌کنند، ضروری است. رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گفت: بسیاری از افرادی که امروز با پرونده‌های قضایی مواجه هستند، صادرکنندگانی شناخته‌شده و خوشنام به شمار می‌روند که بخشی از ارز حاصل از صادرات خود را بازگردانده‌اند. در مقابل، در پرونده‌های مربوط به کارت‌های اجاره‌ای و افراد فاقد فعالیت واقعی، حتی در صورت پیگیری نیز ممکن است امکان دسترسی به افراد یا وصول مطالبات دولت وجود نداشته باشد. لاهوتی تأکید کرد: برای حل این مسئله، تغییر نگاه به شرایط موجود و همکاری همه دستگاه‌ها، از جمله مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و دستگاه اجرائی دولت ضروری است تا موانعی که در مسیر فعالیت صادرکنندگان ایجادشده برطرف شود. رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با بیان اینکه بانسک مرکزی یکی از طرف‌های اصلی موضوع بازگشت ارز صادراتی است، گفت: انتظار می‌رود نمایندگانی این بانک در جلسه با فعالان اقتصادی حضور پیدا کنند و به پرسش‌های صادرکنندگان پاسخ دهند. لاهوتی تصریح کرد: حتی در جلساتی که با مسئولان و دستگاه‌های مرتبط برگزار می‌شود، این موضوع

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۵۲۳

آتش جدید گرانی بر بازار بنزین و گازوئیل رژیم امریکا

همزمان با کاهش شدید ذخایر سوخت آمریکا، این رژیم شاهد گرانی ۴۵درصدی بنزین و ۶۸درصدی گازوئیل است



رئیس این رژیم، نشانه‌هایی از افزایش فشار سیاسی بر کاخ سفید هستند. اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، انتخابات میسان‌دوره‌ای کنگره می‌تواند به آزمون‌ی دشوار برای ترامپ و حزب جمهوری‌خواه تبدیل شود. برآوردهای مؤسسه نفت آمریکا نشان می‌دهد ذخایر نفت خام تجاری این کشور در هفته منتهی به ۱۶ اکتبر (۲۴ مهر) حدود ۴/۹ میلیون بشکه کاهش یافته است؛ این در حالی است که هفته پیش از آن نیز ذخایر تجاری حدود ۱۱ میلیون بشکه آب رفته بود. در مجموع ۲۷ هفته گذشته (آغاز جنگ علیه ایران)، ذخایر تجاری نفت آمریکا بیش از ۵۶ میلیون بشکه کاهش یافته است. ذخایر بنزین نیز در همین هفته حدود ۲ میلیون بشکه کم شده و ذخایر گازوئیل و نفت گرمایشی با کاهش ۲/۶ میلیون بشکه‌ای، برای دومین هفته پیاپی روند نزولی داشته‌اند. همچنین قیمت سوخت در آمریکا نیز به‌شدت بالا رفته است. میانگین بنزین در ۱۶ اکتبر به ۴/۳۳ دلار برای هر

گالون و گازوئیل به ۴۳/۰۹ دلار رسید که نسبت به پیش از جنگ به ترتیب ۴۵ و ۶۸درصد افزایش را نشان می‌دهد. گرانی گازوئیل و سوخت هواپیما هزینه حمل‌ونقل کالاها را بالا برده و در نهایت به قیمت مواد غذایی و کالاها صرفی منتقل شده است.

هشدار درباره شوک جدید قیمت نفت
بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس درباره احتمال افزایش بیشتر قیمت نفت در بازارهای جهانی هشدار داد، چراکه جنگ ایران و بحران تنگه هرمز، هزینه حمل‌ونقل دریایی نفت را به‌شدت افزایش داده و چشم‌انداز بازگشت این هزینه‌ها به سطوح گذشته را با اتمام مواجه کرده است. براساس گزارش این بانک، متوسط هزینه حمل دریایی نفت در جهان از حدود ۳ دلار به ازای هر بشکه در سال گذشته، به بیش از ۲۰ دلار در هر بشکه رسیده است؛ افزایشی بیش از شش‌برابری که فشار قابل توجهی بر زنجیره تأمین نفت‌وارد می‌کند. گلدمن ساکس اعلام کرده است تداوم هزینه‌های بالای

حمل‌ونقل در کوتاه‌مدت، در کنار احتمال تشدید حملات به کشتی‌ها و زیرساخت‌های نفتی و ماندگاری ریسک‌های ژئوپلیتیکی، می‌تواند قیمت نفت را بالاتر از پیش‌بینی فعلی این بانک سوق دهد. **هزینه حمل نفت در مسیرهای غرب آسیا به ۳۵ دلار رسید**
بر اساس برآورد گلدمن ساکس، هزینه حمل نفت در مسیرهای خاورمیانه به حدود ۵ دلار به ازای هر بشکه افزایش یافته است؛ رقمی که نشان‌دهنده تشدید اختلال در جابه‌جایی نفت از این منطقه است. افزایش هزینه حمل‌ونقل تنها به نرخ کرخ کشتی‌ها محدود نمی‌شود و عوامل دیگری نیز در رشد آن نقش دارند. طبق تحلیل این بانک، حدود ۷ دلار از هزینه اضافی حمل هر بشکه نفت به حق بیمه ریسک جنگ در تنگه هرمز مربوط است. افزایش هزینه سوخت نیز حدود ۴ دلار و عملیات انتقال نفت از یک کشتی به کشتی دیگر در خلیج عمان، حدود ۵ دلار دیگر به هزینه هر بشکه اضافه کرده است.

جوابیه

جوابیه کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی به گزارش «جوان»

پیرو گزارش پنج ماهه و ۱۵ روز قبل «جوان» با عنوان «کاسبی بانک‌ها از جنگ کمی سخت‌شد» که در بخشی از آن تأکید شده بود «بسیاری از بانک‌ها دارای‌های ارزی در خارج از کشور هستند که به دلایل مختلف، از جمله محدودیت‌های ناشی از تحریم، امکان دسترسی فوری به آنها وجود ندارد. گذشته همین دارایی‌ها با نرخ‌های جدید ارز ارزش‌گذاری و سود ناشی از آن در صورت‌های مالی ثبت می‌شود. این در حالی است که چنین سودی، تا زمانی که به وجه نقد تبدیل نشود، اثری واقعی در توان مالی بانک ندارد. اکنون با الزام به تأیید حساب‌رس، بانک‌ها دیگر نمی‌توانند صرفاً بر مبنای افزایش نرخ ارز، سود شناسایی کنند. این تغییر، به معنای نزدیک‌تر شدن صورت‌های مالی به واقعیت اقتصادی است. در عین حال، نشان می‌دهد که بخشی از سودهای اعلامی در سال‌های گذشته، بیش از آنکه حاصل فعالیت اقتصادی باشد، نتیجه تغییرات حسابداری بوده است»، کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی با ارسال جوابیه‌ای تأکید کرده است: روزنامه جوان در گزارش خود نظام بانکی کشور را «الو» خوانده و آن را به «کاسبی با جنگ» متهم کرده است. ادبیات این گزارش با یک تحلیل اقتصادی فاصله‌زادی دارد. مهم‌تر اینکه نویسنده یک سازوکار استاندارد حسابداری را با سوءاستفاده آگاهانه یکی گرفته است. دکتر چندتنکه برای روشن شدن موضوع لازم است، ۱- تسعیر از «بازی قدیمی» نیست؛ الزام استاندارد است ثبت سود یا زیان تسعیر، ابتکار بانک‌ها برای ساختن سود کاغذی نیست. استاندارد حسابداری شماره ۱۶ ایران «آثار تغییر در نرخ ارز» و معادل بین‌المللی آن (IAS21)، همه بنگاه‌ها را موظف می‌کند اقدام پولی ارز را در تاریخ ترازنامه یا نرخ روز ارز بایزند. این قاعده فقط مخصوص بانک‌ها نیست و پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و هر شرکت دارای دارایی یا بدهی ارزی همین‌الار دارد.

اگر بانکی دارایی ارزی خود را با نرخ تاریخی و منسوخ نگه دارد، صورت‌های مالی‌اش غیرواقعی است و حساب‌رس باید آن را مشروط کند. پس آنچه گزارش جوان «بازی» می‌نامد، در واقع رعایت استانداردهاست؛ ۲- تسعیر دوطرفه است؛ نیمه دیگر ماجرا چیست؟ گزارش فقط از سود تسعیر دارایی‌ها حرف می‌زند، اما بانک‌ها بدهی ارزی هم دارند؛ سپرده‌های ارزی مردم، تعهدات اعتبار اسنادی و خطوط اعتباری با افزایش نرخ ارز، این بدهی‌ها هم با نرخ بالاتر تسعیر می‌شوند و زیان ایجاد می‌کنند. آنچه در صورت سود و زیان می‌نشیند، اثر خالص «وضعیت باز ارزی» است. از سوی دیگر، تسعیر دارایی‌های ارزی کارکرد ارتباطی مهمی دارد. در اقتصاد از ارزش ریال مدام کاهش می‌یابد، همین دارایی‌هایبخشی از کاهش واقعی سرمایه بانک راجعبر می‌کنند و به حفظ کفایت سرمایه کمک می‌کنند.

۳- بانک‌ها نرخ ارز را تعیین نمی‌کنند بلکه نرخ ارز را به «فرصت» بانک‌ها تبدیل شده، یک صنعت چنین اصلاحي را پیش نمی‌برد.

رابطه علت و معلولی را وارونه نشان می‌دهد. نرخ ارز تابع کسری بودجه، رشد پایه پولی، تحریم شوک‌های ژئوپلیتیک است؛ نه تصمیم بانک‌ها. ثبت اثر حسابداری یک شوک بیرونی، «کاسبی با جنگ» نیست. با این منطبق، هر بنگاه صادرات‌محوری که در آمد ریالی‌اش با رشد ارز بالا رفته هم باید «الو» نامیده شود. ۴- تصویر واقعی بانک‌هایبیشتر قربانی‌اند تا منتفع کسی که نظام بانکی ایران را می‌شناسد، می‌داند مشکل اصلی آن سودسازی نیست، بلکه این موارد است: ۵- تسهیلات تکلیفی با نرخ‌هایی بسیار پایین‌تر از تورم که عملاً یارانه‌ای است که از جیب بانک و سپرده‌گذار پرداخت می‌شود. ۶- مطالبات معوق از دولت و شرکت‌های دولتی که سال‌ها تسویه نمی‌شوند.

نرخ سود حقیقی منفی که سقف آن از سوی سیاست‌گذار تعیین می‌شود، به بانک.

به زیان آب‌نشسته و کسری کفایت سرمایه در بخش قابل توجهی؛ ۷- شبکه که حاصل همین تکلیف‌است. بانکی که چنین ترازنامه‌ای دارد، خون‌مکنده نیست؛ در بسیاری از موارد، خودش بار هزینه‌های شیمالی دولت را به دوش کشیده است. ۸- بانک‌ها بزرگ‌ترین شرط کرده که شناسایی سود تسعیر به تأیید حساب‌رس دربار دسترسی‌پذیری و نقدشوندگی دارایی منوط بشود. این اقدامی احتیاطی و درست است و شبکه بانکی حرفه‌ای از آن استقبال می‌کند، اما معنای آن این است که سازوکار نظارتی کار می‌کند و قاعده را با شرایط تحریم تطبیق می‌دهد. شاهدی بر «الوصفتی» بانک‌های نیست. همچنین باید میان دو مسئله فرق گذاشت: «شناسایی» سود تسعیر که الزام استاندارد است و «تقسیم» سود تحقق‌یافته میان سهامداران که موضوعی مربوط به سیاست تقسیم سود و حاکمیت شرکتی است. اگر انتقاد وارد است، به دومی برمی‌گردد و راه اصلاح آن مقررات‌گذاری دقیق است، نه برچسب‌زنی به کل یک صنعت.

۶- هزینه ادبیات تخریبی در شرایط اقتصادی و جنگ، اعتماد عمومی به نظام بانکی یک داری ملی است. نظام پرداخت، حقوق کارکنان، تأمین مالی تولید و سپرده‌های مردم بر این اعتماد استوار است. رسانه‌ای که بانک‌ها را «الو» نامد، بدون آنکه میان سود تسعیر و زیان تسعیر، میان شناسایی و تقسیم و میان علت و معلول تمایز بگذارد، به اصلاح بانکداری کمکی نمی‌کند و فقط سرمایه اجتماعی کشور را فرسوده می‌کند. جمع‌بندی: نقد بانک‌ها لازم و مفید است، به شرط آنکه بر داده و دانش فنی تکیه کند. اصلاح واقعی نظام بانکی از پایان تسهیلات تکلیفی، تسویه بدهی دولت، آزادسازی نرخ سود و تقویت نظارت می‌گذرد. توهین به یک صنعت چنین اصلاحي را پیش نمی‌برد.